عجیبترین معماری جهان



“کوتنا هورا "یکی از شهرهای جمهوری چک است که در ۷۰ کیلومتری شرق پراگ واقع است. رشد و توسعه این شهر از سال ۱۳۰۰ میلادی به واسطه کشف معادن غنی نقره در نزدیکی آن سرعت گرفت و شهر به مرور زمان به سمت این معادن گسترش یافت. بخش اعظم نقره مورد نیاز کشورهای اروپایی جهت ضرب سکه، در آن زمان توسط این معادن تامین می شد. همزمان با رشد “کوتنا هورا” کلیساهای جدیدی ساخته شد و بسیاری از نمونه های قدیمی و فرسوده مرمت شد. کلیسای “سانتا باربارا “که یکی از مشهورترین کلیساهای قرون وسطی است در همان زمان و از محل نذورات معدن چیان بنا گردید. پیش از آن کلیسای دیگری در شهر” سدلک “ساخته شده بود. سدلک شهری کوچک در حومه “کوتنا هورا” است که با مرکز آن ۲ کیلومتر فاصله دارد و شهرت امروزی آن به واسطه همین کلیسا و ویژگی عجیب آن است. در سال ۱۲۷۸ میلادی یکی از پیشوایان مذهبی شهر به نام پدر “هنری “سفری به این سرزمین مقدس انجام داد و در آنجا به زیارت محل مصلوب شدن مسیح” جلجتا” شتافت. هنگام بازگشت، جامی پر از خاک آن مکان مقدس با خود به همراه آورد و آن را در گورستان کلیسا پخش نمود. این حرکت نمادین، نقطه آغاز رونق شهر و شهرت کیلسای آن شد. گورستان کلیسا در مدت کوتاهی تبدیل به یکی از پر طرفدارترین گورستان ها در اروپای مرکزی شد و بسیاری از مردم جهت تدفین مردگان خود از شهرهای اطراف و حتی کشورهای دیگر به آنجا می آمدند. آنان معتقد بودند خاک مقدس این مکان چون سپری در برابر عذاب الهی است و روح مردگان را به سوی بهشت و نعیم جاودان آن هدایت می کند. بدین ترتیب جنازه ها و استخوان های بسیاری در این مکان انباشته شد و سرعت گسترش این گورستان در زمان شیوع طاعون دو چندان گردید. در سال ۱۳۱۸ میلادی بیش از ۳۰۰۰۰ نفر در آجا دفن شده بودند و کلیسا در محاصره مردگان و استخوان های آنان قرار گرفته بود. در سال ۱۵۱۱ میلادی مسئولین مذهبی کلیسا تصمیم گرفتند گورستان جدیدی در مکان گورستان قبلی بسازند و بدین منظور یک راهب نیمه بینا عهده دار جمع آوری استخوان های قدیمی از زیر خاک و انباشتن آنه در استودان کلیسا شد، وظیفه ای که کمی وحشتناک و عجیب به نظر می رسید. این استخوان ها سال ها در انتظار بودند تا در سال ۱۸۷۰ میلادی

یک ایده عجیب را عملی سازند. در این سال یک هنرمند به نام" فرانتیسک رینت " توسط دوک شوارتزنبرگ" استخدام شد تا فضای داخلی کلیسا را با این استخوان ها تزیین کند.



به این ترتیب با استفاده از قریب ۴۰۰۰۰ دست استخوان کامل انسان معماری داخلی این بنا دگرگون شد و فضایی عجیب و منحصر به فرد شکل گرفت. شاید بتوان این کلیسا را به نوعی یک استودان بزرگ به حساب آورد. نکته قابل ذکر این است که اکثر استخوان ها مربوط به مردگانی است که به طور طبیعی از دنیا رفته اند و اسکلت آنان سالم از زیر خاک بیرون آمده است. بدین ترتیب کلیسایی که به لحاظ ویژگی های معماری یک بنای عادی به حساب می آید با این ایده منحصر به فرد و وحشتناک، تبدیل به بنایی شاخص شده است که هر ساله گردشگران بسیاری از اقصی نقاط جهان به دیدن آن می آیند. شاید بتوان گفت سد لک تنها شهر دنیاست که زندگی و رونق خود را مدیون مردگان است